

عنوان مقاله:

طالبان و تشکیل «دولت لویاتان قومی-مذهبی» در افغانستان (بررسی تحلیلی-انتقادی «امارت اسلامی» از منظر فلسفه سیاسی)

محل انتشار:

دوفصلنامه پرتو خرد، دوره 13، شماره 1 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسنده:

محمدحنیف طاهری - دکترای اندیشه معاصر مسلمین جامعه المصطفی العالمیه

خلاصه مقاله:

در این نوشتار مبانی و منابع «مشروعیت» و نیز «شاخص ها و خصیصه های» دولت طالبان موسوم به «امارت اسلامی»، از منظر فلسفه سیاسی نقد و بررسی شده است. بنابراین هدف مقاله که به روش تحلیلی-توصیفی و مفهومی-انتقادی تدوین شده است، بررسی تحلیلی انتقادی مبانی مشروعیت و شاخص های نظری-عملی امارت اسلامی طالبان است. از بررسی تحلیلی-انتقادی این موضوع به این نتیجه می رسیم که طالبان با سلطه مجدد بر افغانستان، در این کشور «دولت لویاتان قومی-مذهبی» تشکیل داده است. دولت لویاتان طالبان، به مبانی و مفاهیم مشروعیت ساز مرسوم در عرف بین الملل وفاداری ندارد؛ و مبانی مشروعیت خود را مبتنی بر «فقه حنفی»، عرف «پشتونوالی» و سنت «لویه جرگه» می داند که هیچ کدام از آن ها مبنای عام و معتبر مشروعیت در عرف ملی و بین المللی به شمار نمی روند. شاخص های دولت فاقد مشروعیت طالبان عبارتند از: ترکیب پشتونیزم با توتالیتراریسم، قومیت گرایی و مردسالاری و تلفیق استبداد سیاسی با استبداد مذهبی. فقدان مشروعیت ملی و جهانی با شاخص های فوق، سبب شده اند که از امارت اسلامی به «دولت لویاتان قومی-مذهبی»، یا «رژیم ترس و وحشت» تعبیر کنیم.

کلمات کلیدی:

طالبان، دولت لویاتان قومی-مذهبی، پشتونوالی، لویه جرگه، فقه حنفی، قوم گرایی، استبداد سیاسی-مذهبی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1601496>

